



طغیان در تبریز

و توطئه در قم



عوام فریبی لیبرالها

و تزلزلات چپ

اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر

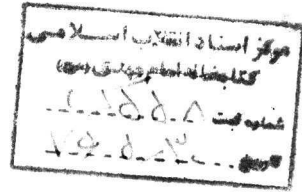
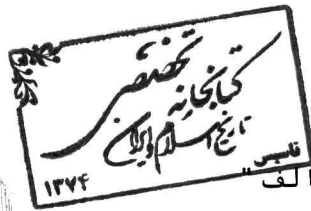
۳۱۸۵۶

۵۵۸

از انتشارات:

اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر

بها: - ۱۵ - ریال



مقدمه :

یکماه پس ازظغیان تبریزودر حالیکه چپ هنوزدرتحلیل های جورواجوروموضعگیریهای متضاد نسبت به آن درگیراست . واقعه قم توطئه گری هیات حاکمه را برعلیه توده ها ودررقابت با لیبیرالها ابعا دجدیدی می بخشد .

جناح غالب هیات حاکمه بمدد دستگا ههای تبلیغاتی ، بمدد پیشوایان ، خرافه وجهل (مدرسین حوزه علمیه قم) وبمدد شعبده بازان ضدامیریا لیست اش (دانشجویان پیروخط امام) ازدنبال اوباشان چماق بدستش در قم ، توده وسیعی رادرسراسرایران بمیدان میکشاندواین خود ضرورت تحلیل مسئله را با تاکید بیشتر در پیشروی جنبش مارکسیستی - لنینیستی ما می گسترانند .

اما جنبش مارکسیستی - لنینیستی بشدت پراکنده است ودر برابر اوجگیری بی وقفه وتجزیه ناپذیر جنبش توده ها خود را ناتوان تراز آن می با پدکه به نیازهای رشد آن پاسخ گوید یا لا اقل موفق به جمع بندی آموزش ها وتجار ب بیکران آن گردد . بدین طریق جنبش با یدنا گزیر تحمل کننده دوری انتهای از تکرار تجارب آموخته نشده را ادامه ودرخویش پیچد .

ما خود بعنوان یک واحد کوچک از این جنبش ، در برابر واقعه تبریز که حلقه ای مهم از سلسله متوالی تحولات جامعه بود ، بدلیل محدودیت نیرو وکثرت وظایف ناگزیر شدیم تحلیل خویش را نیمه کاره رها کنیم و سپس هم بدلیل گذشت وقت از آن چشم پوشیم وتنها فشار

" ب "

تحولات جدید آرد و بازه مطرح ساخت اینرانیزمی دانیم که این عقب ماندگی از جنبش توده ها و نیازهای آن ، نه مشخصه ما ، نه مشخصه لحظه کنونی ، بلکه مشخصه پراکندگی جنبش ما رکسیست - لنینیستی ماست و فشار خویش را بر همه نیروهای این جنبش - تنها با اندکی شدت وضعف - تحمیل می کند .

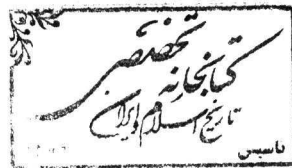
تنها با حل مسئله پراکندگی با وحدت و با تشکل بخشیدن به تمامی ظرفیت های بیشمار اما پراکنده جنبش م - ل در سازمان سراسری حزب میتوان نیروی لازم را برای برخورد با این تحولات فراهم کرد . از اینرو اینک برای پاسخگویی به نیازهای گسترده و دائمی ما " فزون یا بنده جنبش توده ها ، باید قبل از هر چیز و مقدم بر آن ، تدارک سیاسی - تئوریک وحدت را دنبال کرد .

تنها در این چشم انداز روشن است که میتوان امیدوار بود دیگر جنبش م - ل با فاصله ای طولانی از جنبش توده ها اعلام موضع نکند و یا توده ها را در ضد و نقیض گوئی و درهم اندیشی های خویش متحیر نسازد .

در استقبال از اعتلاء جنبش توده ها ، وحدت جنبش ما رکسیست
لنینیستی را تدارک ببینیم

اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر

۱۳۵۸/۱۰/۱۸



تبریز ، تبریزقهرمان ، تبریز پایدارنده قیام مسلحانه
یا زده ماهه خلق در برابر استبداد محمدعلی شاه ، تبریز ستار و خیابانی
تبریز برابر ازنده جمهوری دمکراتیک در ۱۳۲۴ ، تبریز قیام افتخار
آفرین و تاریخی ۲۹ بهمن ۵۶ ، قریب سه ماه پس از نهیب و خروش
نخستینی که در اواسط مردادماه باریختن به میوه فروشی ها ، سرداده
بود ، خشم و کین و نفرت خویش را از حاکمیت سیاسی موجود با لگدکوب
کردن آن تجلی ساخت و کوشید تا قامت ستبر خویش را از سنگینی این بار
برهانند و قدر برابر ازده تبریز همواره خروشان پیشتاز ، بیزاریش را
از حاکمیت ده ماهه جدید ، از تلاش آن برای احیاء سیستم و رشکسته و
درهم کوفته سرمایه داری وابسته ، از سلب حاکمیت خلق ، از سرکوب
مستمر و مداوم خلق و انقلاب در سراسر ایران ، از نمایشات دوماه و نیمه
سیرک مجلس خفتگان برپیکر خونین انقلاب و بالاخره از دست پخت
قانون اساسی اش که حاکمیت خلق را مطلقاً " نفی کرده و راه سرمایه
داری عصا مپریالیسم را با تمام قدرت میگشاید و برسانور و اختناق
و سرکوب مهر قانونیت میزند ، علیرغم اینکه " امام امت " در آن
هیچگونه انحراف اسلامی " ندیده است این بار با قیام در برابر
" جمهوری " اسلامی ، با قیام در برابر آن قانون اساسی اسلامی که
" خبرگان " اسلام - خفتگان اجتماع - تدوین و تصویب نموده و " امام
امت " تأیید کرده است بیان کرد ، اما ، تبریز بر " جمهوری "
اسلامی ، بر قانون اساسی بهر فراندوم گذاشته اش و بر " امام امت "
شورید ، خود را از سنگینی آن رها نند ، اما سنگینی بار سواترین و
مرجع ترین بخش های بورژوازی که بر شانهای او پانهاده بودند ،
این قامت ستبر را قد نیفراشته خم کرد .

توده های قهرمان تبریز ، در عرصه زندگی در زمره و در جریان
مبارزات خود بخودی شان بدلیل رودر رویی مستقیم با حکومت توانستند
بیگانگی آنرا با حقوق ، منافع و خواسته های خود لمس کنند و در این
جریان حتی نقاب ندامت از چهره خمینی نیز بر گرفته و چنگال دشمن
خواهری مبنی کل حکومت ، چهره ضد خلقی بورژوازی و امپریالیسم

کمین کرده را - که سنگر گرفته در پشت این " سیما ی روحانی " بجلو می‌خزد و سیستم فروریخته خویش را از نو بنا می‌کنند - حس کرده و در - خروش بر آن سیستم و برای احقاق حقوق عادلانه خویش حرمت بیکران این پرده ساترا از هم دریده اند اما در همان حال گرد آمدن آنان بزیپرچم " جمهوری خلق مسلمان " برافراشتن تمثال های شریعت - مداری و تقاضای بازگشت مقدم مراغه‌ای نشان میداد که آنان در برخورد به نیروهای اجتماعی و سیاسی از شناخت نزدیکترین نیرو به امپریالیسم و نمایندگان کنونی سرمایه بزرگ بدلیل عدم ورود رویی آشکار و مستقیم ، چنان بدور مانده اند که علم و کتل آنرا بسدوش میکشند .

بدین اعتبار قیام تبریز اگر چه یک جنبش توده‌ای بسیار نیرومند بر علیه یک حاکمیت ضد انقلابی و مردم ستیز اما بسیار بسیار خود به خودی و فاقد آگاهی دمکراتیک است . اینک توده‌های خلق در تبریز در آن وسعت و عمق بر جمهوری اسلامی می‌شورند ، حرکت سریع این توده و پتانسیل انقلابی شگفت آور او را - که حتی قداست خمینی هم با تمام قدرت سنتی که در پشت او ایستاده جلودارش نیست - نشان میدهد ولی اینک شمایل شریعتمداری و علم و کتل " خلق مسلمان " را بر میدارند نشان میدهد که نیروهای انقلابی و بویژه م - ل ها تا چه حد از آگاه ساختن توده به دشمنانش ، از آگاه ساختن آنها به چهره‌های جورا جور بورژوازی خیانت پیشه و ضد خلق علیرغم اینکه در زندگی هر روزه نمونه‌های بی شماری موجود بوده است ، قافل یا عاجز مانده‌اند . بدین جهت در حالیکه این قیام به مثابه بخارهای قیلا ز آتش فشان که از قله تبریز دمیده و از التهابات درونی آتش فشان خلق خبر میدهد ، طلپعهء فراروئی اعتلاء خلق است ، اما ضعف های مهلک آن ، زنگ خطر را نیز برای نیروهای انقلابی بویژه م - ل ها بصدا در میآورد . و بادشنام سخت و دردناک خویش آنان را به شتاب هر چه

بیشتر در آگاهی دادن و سازمان بخشیدن به این جنبش و در تدارک فعال سازمان مناسب برای ایفای وظایف این جنبش در برابر انقلاب عظیم و فراروینده توده ها - حزب کمونیست - می خواند .

هشدار یست به م - ل ها تا تاریخ ، ننگ عقب ماندگی از جنبش انقلابی خلق را در این دوران حیات و تکامل آن بپایان ننویسد .

با این جنبش چگونه باید برخورد کرد ؟

از نظر ما " جمهوری خلق مسلمان " که در زیرعبای شریعتمداری دکان گشوده است و همپالگی دیگرش جبهه ملی که به بیست و پنج سال سکوت و تسلیمش می نازد ، امروز در جامعه ما نقش نمایندگی بورژوازی - بزرگ را داشته و پایه های مستقیم نفوذ امپریالیسم را می سازد . قرار گرفتن صدیقی در راس جبهه ملی ، قرار گرفتن مولوی ، این کارگزار شناخته شده امپریالیسم در شورای مرکزی جبهه ملی یا کاندیداتوری او از سوی حزب جمهوری خلق مسلمان برای مجلس خبرگان و قرار گرفتن مقدم مراغه ای و نزیه و عنایت و فرید در راس حزب مزبور و مخالفت های مکرر شریعتمداری با مصد ره اموال عوامل رژیم شاه و اعدام های انقلابی که زمانی از سوی جناح خرده بورژوازی هیات حاکمه صورت میگرفت ، تنها انعکاس برجسته و صریحی از این واقعیت است که راه انکار را بر ساده لوح ترین افراد نیز می بندد .

از سوی دیگر هیات حاکمه و در راس آن جناح خرده بورژوازی خمینی علیرغم ناخوانایی طبقاتی با سیستم سرمایه داری وابسته حاکم ، از آنجا که نتوانستند - و نمی توانستند - آن سیستم را درهم بشکنند و از آنجا که کمر به احیاء و حراست این سیستم بستند ، ناگزیر خود بدین سیستم بسته شده و بدان متعهد شدند و از موضع وابستگی و تعهد ، از موضع پاسداری سیستم وابسته ای که رسالت انقلاب درهم شکستن آن بود مدتهاست که رودر روی انقلاب و خلق قرار گرفته اند . مدتهاست با کوبیدن انقلاب ، با تلاش برای احیاء سانسور و خفقان ، با سرکوب و کشتار توده های آگاه در کردستان و گنبد و انزلی و خوزستان و

بانفی حاکمیت خلق ، با تهیج و تبلیغ بر علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی و... با تمام قدرت خویش به هموار کردن راه امپریالیسم مشغولند .

مارکسیست - لنینیست ها در برابر این هردو ، چه در برابر نیروهای که رشد آگاهی توده ها و تکامل انقلاب در یک دوره پُرده از ماهیت ضد انقلابی آنان بکنار زده و آنان را بعنوان یک جریان مستقل طرد و بخارج از صحنه حاکمیت سیاسی پرتاب ساخته است ، و چه آنان که نا آگاهی توده ها و عقب ماندگی انقلاب پرده بر ماهیت سازشکاری و ناتوانی آنان افکنده و آنان را بعنوان یک جریان مستقل برتارک خویش نشانده و مجال داده است تا در قله حاکمیت سیاسی بدامن دشمنان انقلاب درآویزند و به انقلاب و خلق یورش برند ، از موضع مستقل طبقه کارگر حرکت و دفاع میکنند . مارکسیست - لنینیست ها نه به هزیه گری و هرجایی گری لیبرالها یا به دمکرات نمایی ریاکارانه آنها دل می بندند و نه مخالفت رقابت آمیز ، عقب مانده و مرتجعانه جناح خرده بورژوازی هیات حاکمه با این لیبرالها - در عین همدستی و همکاری با آنها در سرکوب انقلاب و خلق میتوانند آنان را گول بزنند .

مارکسیست - لنینیست ها همواره برای توده ها خیانت پیشگویی لیبرالها و ماهیت ضد انقلابی آنها را افشاء می کنند در پرا تیک زندگی و مبارزه توده ها ، همدستی لیبرالها با امپریالیسم ، هراس آنها از انقلاب ، تلاش آنها برای عقب راندن توده های بپاخاسته و احیاء و تحکیم نظم و قانونی که ناظر بر سرکوب خلقها بوده و سردمداری و جانب داری آنها از تثبیت سیستم سیاسی ، نظامی و اداری ضد انقلابی ای که انقلاب خلق در همش شکسته بود ، آموزش می دهند و بالاخره به توده ها یاد می دهند که نباید گول مخالفت اینان را با جناح های دیگر هیات حاکمه خورد و در زیر پرچم آنان سینه زده و بدین طریق نقاب مردم نمایی از چهره های ریاکار و دشمن خوی آنان برمیگیرند .

مارکسیست - لنینیست ها نقش ضد انقلابی اینان را نه فقط درهم آوازی دیرین شریعتمداری ها با رژیم شاه و تأیید او ، نه فقط در

همراهی آنان با دولت "آشتی ملی" شریفامامی نه فقط در همراهی جبهه "ملی" و نهضت آزادی، همراهی سنجابی و صدیقی و بختیار و بزرگان بارژیم شاه، با شخص شاه و با چهره‌های شناخته شده‌ای چون امینی و قره‌باغی برای بازپس‌گرداندن امواج انقلاب، بلکه هم چنین در مخالفت آنان با اعدام‌ها و مصادره‌های پس از قیام بهمن ماه، در مخالفت آنان با تسلیح مردم بیاری فریادها، در تلاش ضدخلقی دولت بزرگانی، در دشمنی هیستریک او با نیروهای انقلابی در کینه توزی او نسبت به کارگران و زحمتکشان، در تلاش فرید برای بازسازی ارتش شاهنشاهی در تلاش مولوی برای استمرار غارت ثروت‌های ملی به نفع سرمایه داران وابسته و امپریالیست‌ها و در کارنامه تلاش این دولت برای احیاء تطهیر و تحکیم تمامی روابط ظالمانه اقتصادی، سیاسی و نظامی با آمریکا، در تمامی ماه‌های پس از قیام نشان می‌دهند.

از سوی دیگر در برابر جناح خرده‌بورژوازی هیئت حاکمه که اینک در مبارزه رقابت آمیزش با این جریان لیبرالی و وابسته، نقاب ضد امپریالیستی به چهره زده و در یک نیروی ضد امپریالیست آنان را بعنوان وابستگان آمریکا مورد حمله قرار می‌دهد و بدین طریق می‌خواهد توده‌ها را بفریبد، همراهی و همدستی مداوم او را با این جریان افشاء می‌کنند.

ما رکیست لنینیست‌ها بتوده‌ها یاد آور می‌شوند که این جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه و در راس آن خمینی بود که با استفاده از اعتماد ناآگاهانه توده‌ها، لیبرال‌های دوست آمریکا را بر مردم مسلط کرد. این خمینی بود که بزرگان لیبرال "غریب‌زده" و عمیقاً "امریکایی" را به نخست‌وزیری منصوب کرد. سیاست خارجی کشور را ابتدا در اختیار جبهه "ملی" و سنجابی و سپس در اختیار یزدی قرار داده اقتصاد کشور را بمزدوران شناخته شده امپریالیزم چون مولوی و نزیه تسلیم کرد تا آنچه را که از غارت رژیم شاه باقی مانده بود بپایان برسانند. برای احیاء ارتش امریکایی شاه به آلمان مزدوران امریکایی چنگ زد، و بالاخره در عرصه واقعیت خود را در بست در اختیار

اوقرار دادوبه ارزانی به حراج اوگذارده و خودنقش مباشر و محافظ و مدافع اورا بعهده گرفت وتوده ها را مدام به تکریم وتائید و تسلیم به او و اطاعت از او فراخوانده .

مارکسیست لنینیستها به توده ها نشان میدهند که این دشمنی امروزه جناح خمینی بالیبرالهای دوستدار امپریالیزم ، که بویژه در پشت شریعتمداری سنگر گرفته اند ، هرگز از سر مخالفت با امپریالیزم نبوده بلکه تنها رقابتی است برای اینکه کدامیک ، کدام جریان و چگونه خلق وانقلاب را سرکوب کرده وبه امپریالیزم خدمت کند؟

آیا جناح خمینی خود با یورش های کور و فاشیست گونه اش به انقلاب وتوده های بیباخته عملاً راه امپریالیسم را بکوبد ، یا لیبرال ها برایین مرکب سوار شده و آنرا دریک کانال هدایت شده وطبق یک برنامه حساب شده بسوی تجدید و احیاء کامل سیستم ضربه خورده حاکم وتحکیم زنجیرهای وابستگی به امپریالیزم بکشانند .

وبالاخره مارکسیست ، لنینیستها به توده ها می آموزند که باید به دشمنی ناگزیر این هردو جناح با استقلال ، آزادی وحقوق اجتماعی خویش پی برده ، چه با درهم شکستن هژمونی ایدئولوژیک ایشان و چه با سرنگونی حاکمیت سیاسی اشان ، راه را بر حاکمیت مستقل خویش برهبری طبقه کارگر ، راه را بر تحقق خواسته های " نان ، استقلال ، آزادی " هموار سازند .

درعین حال مارکسیست لنینیستها هرگز خود را از جنبش خودبخودی زحمتکشان کنار نمی کشند ، آنها از هر خشم وعصیان وطغیان زحمتکشان بر علیه رژیم سرمایه داران ، بر علیه حاکمیتی که با سرکوب آنان راه امپریالیسم را می گشاید ، حمایت می کنند . آنها بیباکانه احتراز از همراهی بالیبرالهای خائن جنبش خودبخودی زحمتکشان تبریز ، این عصیان خشمگینانه بر " جمهوری " اسلامی سرمایه داران را بدم تزویر است ترین و هرزه ترین لیبرالها چون حزب جمهوری خلق مسلمان رها نمی سازند ، این عصیان توده ای را به پای آن خائنین نمی نویسند

وبالآخره این عصیان اگرچه کورا ما مردمی را با خیانت پیشگی لیبرالها یکجا به چوب نمی‌بندند.

برعکس مارکسیست‌لننیست‌ها نه فقط برای هدایت مردم بسوی سرنگونی حاکمیت مردم ستیز و ضدانقلابی موجود، بلکه همچنین برای افشای ریاکاری لیبرال‌های خائن و آشکار ساختن و برجسته ساختن دشمنی آنان با جنبش توده‌ها و مغایرت حرکات و اهداف این دو، هر چه گسترده تر و پرتوان تر در این جنبش شرکت می‌ورزند و چه با افشای لیبرال‌ها و چه با تشدید مبارزه علیه حاکمیت موجود، چنان سمت و عمق و وسعتی بدان می‌بخشند که مستقیماً "و با قدرت رودر روی لیبرال‌ها نیز قرار گرفته و متقابلاً" تحمل آن برای لیبرال‌ها ناممکن گشته و هر چه سریع‌تر نقاب از چهره برگرفته و با آن رودر رو شوند.

اما در میان نیروهای چپ شاهد نوسان، تزلزل و تشتت چشم‌گیری در برخورد به جنبش تبریز بودیم. در یکسوی آن سازمان چریک‌های فدائی و "اتحادیه کمونیست‌های ایران" در "مبارزه"، با امپریالیسم و بورژوازی لیبرال یکسره به جناح خرده‌بورژوازی هیئات حاکمه اقتدا کردند.

آنان از یاد بردند که ماه‌هاست همین جریان مدعی مبارزه با امپریالیسم و بورژوازی لیبرال خود را بمشابه برگ سا تر بخدمت بورژوازی درآورد. از یاد بردند که ماه‌هاست همین جریان سنگری برای بورژوازی لیبرال بپا ساخته تا فارغ از خشم خلق غارت منابع و ثروت‌های ملی را بِنفع امپریالیست‌ها استمرار بخشد، ارتش شاهنشاهی را بهمان‌گونه که بود احیاء کند، جنبش توده‌ها را به بند کشد و سرکوب کند و... از یاد بردند که وقتی که بورژوازی نتوانست رسالت سرکوب انقلاب را پیش برد، این جریان خود چکمه قزاقی بپا کرد و با شمشیر چوبین خویش بجنگ خلق در کردستان شتافت و بالاخره دیده از این واقعیت فرو بستند که اکنون نیز همین مقتدای "انقلابی!" آنان در مبارزه علیه امپریالیسم، همچنان دست در دست بورژوازی

لیبرال ، همچنان آویخته به بدامان دوستداران و مدافعان رسوا و شناخته شده امپریالیزم چون بازرگان ویزدی و چمران و... هرگونه اعتصاب و تحصن و مبارزه کارگران را تحریم می‌کند و ضدا نقلابی میخواند جنگ طلبی با کمونیستها و دمکراتهای مذهبی و توده‌های آگاه را ادامه میدهد و می‌نیز از آنها جم به کمونیستها ، در اعدام بی دلیل هوا داران مجاهدین خلق در مقاومت در مقابل خواستهای بحق خلق کرد و در تدارک جنگ خونین مجدد در کردستان تامل و تردید نورزیده است و بالاخره بر اساس اینهمه کوتاه بینی و کج اندیشی و چشم فرو بستن بر واقعیات توانستند به هورا کشان هیات حاکمه تبدیل گشته و "خود را بمثابه دسته کرمشوق در اختیار" نه دمکراتها بلکه خرده بورژواهای پیوسته به صف ضدا انقلاب و در اختیار هیئت حاکمهای که داغ ننگ کشتار خلق در کردستان و انزلی و خوزستان و... داغ ننگ راهگشائی امپریالیزم و داغ سرکوب انقلاب و خلق را ، آشکارا بر چهره دارد ، قرار دهند .

آنها در مبارزه بالیبرالها بزیر پرچم این جناح خزیدند و بدین طریق نه فقط به خدم و حشم یا مشاطه گرو دلال جناح غالب هیات حاکمه تبدیل شدند بلکه همچنین مبارزه بالیبرالها را نیز تا حد این رقابت حقیرانه و مردم ستیز تنزل دادند . آنها با این سیاست همراه هیات حاکمه خود را رودر روی توده‌های خشمگین قرار دادند که در ماهیت امر به جمهوری اسلامی و برتجسم مادی حکومت آن شوریده بودند و در طغیان خویش ، نفرت از حاکمیت ۹ ماهه جدید را فریاد میکردند . تبلیغات لیبرالها و خرده بورژواها چنان آنها را مسحور کرد که توده‌ها - توده‌هایی را که در زیر پاییه‌های جمهوری اسلامی را درهم می‌کوفتند ، نظم آن را لگد کوب میکردند و سیستم حکومتی آن را کنار میزدند ، ندیدند و بدین طریق لیبرالها را بنمایندگی عصیان توده‌ها به رسمیت شناختند . اگر محدودیت نگرش و تفکر جناح سهمیم در قدرت خرده بورژوازی و هراس او از هر آنچه نام " چپ " بر سر در خویش

دارد، بدو اجازه نمی‌دهد تا از اینکه هورا کشان جدیدی یافته است شادمان شود اما حزب توده، که در مقام نمایندگی از رویزیونیسم خروشچفسی دو سال قبل هم قیام حماسه آفرین و تاریخی ۲۹ بهمن تبریز را بر علیه رژیم شاه کاراوباش و ساواک قلمداد می‌کرد و اکنون نیز همچون همیشه در همراهی با حکومت ضد انقلابی وقت و بر علیه توده‌های خلق، طغیان مردمی تبریز را محکوم می‌کند، از یاد نمی‌برد که "نزدیک تر شدن چریک‌های فدایی خلق را به مواضع سیاسی و تئوریک حزب توده" (مردم ۱۱ دیماه ۵۸) و گرایش‌های مثبت و نودر" کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق"، "را تجلیل کند و به آن تهنیت" گوید (مردم - ۵ دیماه ۵۸) و اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب "طبقه کارگر" بنمایندگی از رویزیونیسم نوپای چینی به چراغ سبز "اتحادیه کمونیست‌های ایران" درود می‌فرستد. این هر دو قطب رویزیونیسم هر دو قطب خیانت به پرولتاریا و در پیوزگی آستان بورژوازی و خورده بورژوازی در جامعه ما شادمانه به این حرکات می‌نگرند و موفقیت ایده‌ها تئوریک و بینش‌های ضد انقلابی خویش را در جذب تما یلات و گرایش‌ها نیروهای جدید می‌یابند.

اما این انحراف راست اگرچه عمده ترین و خطرناکترین انحرافی است که در درون جنبش انقلابی و م - ل در بر خورد به این قضیه خویشتن را تبارز داده است. وریشه‌های عمیقی نیز در گذشته نیروهای مزبور داشته است و نه بعنوان یک انحراف و خطا بلکه دقیقاً "بعنوان یک خط مشی و یک سمت‌گیری رویزیونیستی در مبارزه و حرکت نیروهای مزبور قابل روءیت است، لیکن تنها انحراف جنبش انقلابی و م - ل در این قضیه نیست.

انحراف دیگری نیز در اینجا موجود است که به بارزترین وجهی در بر خورد "چپ" رفقای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر انعکاس خویش را یافته است. این انحراف اگرچه ناظر بر یک سمت‌گیری همه جانبه چون انحراف راست اتحادیه و چریک‌های فدائی

نیوده و هنوز از عمق، ریشه و استمرار قابل قیاسی با آن نیز بیخوردار نیست، لیکن برخوردار به آن بدلیل موقعیت و مکان سازمان پیکار در میان جنبش مارکسیستی - لنینیستی میهنمان و تاثیر که انحرافات و اشتباهات آن میتواند در این جنبش داشته باشد، آنهم در این مقطع از تدارک وحدت در این جنبش، از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است.

رفقای پیکار در هیاهوی انقلابی نمایی جناح خرده بورژوازی هیات حاکمه نه سابقه سیاه حاکمیت نه ماهه اوونه واقعیت ضد انقلابی کنونی اش را از یاد برده اند، آنها بدرستی توانسته اند در این هنگامه پرغوغا، اهداف ضد انقلابی این جناح را در انقلابی نمایی کنونی اش بشناسند، لیکن از واقعیت جنبش توده ها غافل شده اند. آنها گول تابلوی " جمهوری خلق مسلمان " را خورده اند که میکوشد تا این جنبش را در دکه خویش به بندکشد و از آن پلکان قدرتی بسازد و وثیقه سازش خویش قرارش دهد. ولذا این حزب را در مقام نمایندگی جنبش مردمی تبریز به رسمیت شناخته و در نتیجه حمایت خود سایر کمونیستها را از جنبش توده ای تبریز مجاز ندانسته اند. آنها جنبش توده ها را در پشت هیاهوی بورژوازی برای ادعای زعامت آن گم کرده اند و بدین طریق با کنار کشیدن خود از این جنبش توده ای هم راه بورژوازی را برای تحکیم نفوذ و سلطه اش هموار ساخته اند و هم جنبش توده ای را همراه با بورژوازی خائن به یک چوب رانده اند و چینی است که در ضمیمه پیکار ۳۳ (دوشنبه ۵۸/۹/۱۹) اعلام کرده اند:

" حوادث اخیر تبریز و ناآرامی در دیگر شهرهای آذربایجان قبل از آنکه نشانی از مبارزات انقلابی خلق ترک بر علیه ستم طبقاتی و ملی داشته باشد ناشی از تضادهای و درگیریهای طبقات حاکم که اکنون بر سر مسئله رهبری میان قدرتمندان مذهبی خود را می نمایند در این میان توده وسیعی از مردم ناآگاه را آلت دست خود میسازد." (تاکید زماست).

و سپس با این تحلیل که جنبش و عصیان توده‌ها را " ناشی از تضادها و درگیریهای طبقات حاکم" دیده و کمتر " نشانی از مبارزات انقلابی خلق ترک" در آن می‌یابد، ناگزیر برای این نتیجه می‌رسد که:

"تنها آنچه که اینک میتواند برای کمونیستها و دیگر رزمندگان مطرح باشد افشای ماهیت واقعی هردوسوی اختلاف و مرزبندی دقیق میان مواضع خلق و ضدخلق با بهره‌گیری از تضادهای درونی طبقات حاکمه است و بس"

و بدین طریق کنار کشیدن خود را از طغیان خود بخودی توده‌ها بر علیه جمهوری اسلامی، تئوریزه نموده و صرفاً " به" مرزبندی دقیق میان مواضع خلق و ضدخلق" نه در عرصه مبارزه جاری توده‌ها، نه در هدایت جنبش توده‌ای و گسترش بخشیدن به آن، نه در سمت دادن و شدت بخشیدن بدان تا بدانجا که هرگونه راه مانور را بردشمنان انقلاب ببیند و جمهوری اسلامی را آشکارا به جنگ بطلبد و در روی لیبیرالهای هرزه، قرار گیرد، و بالاخره نه در متن مبارزه خود بخودی خلق تبریز با جمهوری اسلامی بلکه " با بهره‌گیری از تضادهای درونی طبقات حاکمه" اکتفا میکند. اما غافل از اینکه توده‌ها اینک در میدان جنگ و در صحنه جاری مبارزه طبقاتی حضور داشته و مجال آنرا ندارند تا برای استماع افشاگریهای رفقا، لحظه‌ای هم این صحنه را ترک کنند و جایی دیگر، فارغ از غوغای این مبارزه که بزعم رفقای پیکار: "نمیتواند مورد حمایت کمونیستها و انقلابیون دمکرات واقع شود". حضور بهم رساننده رفقا از یاد برده‌اند که اگرچه مرزبندی میان خلق و ضدخلق در عرصه تبلیغات خود اقدامی مثبت و ضروریست ولی وقتی توده‌ها خشم خویش را در شورش بر حکومت و درهم کوبیدن ارگانهای آن متجلی میسازند دیگر بیشتر از هر زمان دیگر ناگافیت و اکتفا کردن بدان، جز کنار کشیدن از جنبش هر چند خود بخودی اما برحق توده‌ها بر علیه حکومت، معنی‌ای ندارد.

و برعکس رفقای پیکار، رفقای کومله - سا زمان انقلابی زحمتکشان

کردستان - این جزء پرارزش از پیکر جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران، در دفاع از جنبش مردم تبریز، از یادمی برد که نقش خائنانه لیبرالها را افشاء کرده و بدین طریق، با مسکوت گذاردن این خطر عظیم، راه را بر بورژوازی گشوده مینهد تا موضع خویش را بر دوش جنبش تثبیت کند. کومله از یادمی برد که در این شرایط دفاع از جنبش توده ها مجردا ز افشای لیبرالهای در عرصه عمل و در نزد توده ها تا بی دضمنی لیبرالها را به همراه دارد و لذا با جنبش تبریز این چنین یکجانبه برخورد میکند.

و بالاخره در پایان این سخن با یاد یک انحراف دیگر یاد کرد که اگرچه انحرافی در درون جنبش مارکسیست - لنینیستی ایران نیست اما برای این جنبش حائز اهمیت است و باید نسبت به آن هشیار و فعال باشد.

این انحراف، موضع شیخ عزالدین حسینی است در دفاع از شریعتمداری و جانبداری آشکار و صریح او از این دشمنان شناخته شده و آشکار خلق و انقلاب.

شیخ عزالدین، که بدلیل همراهی اش با جنبش انقلابی توده ها در سنگر جلوداران کردستان از حیثیت انقلابی و توده ای قابل ملاحظه ای برخوردار است، مهرتائید خود را که بویژه از شرافت و مقاومت دلاورانه خلق کرد پشتمانه میگیرد، بر اعتبار نام و دروغین نمایندگی شریعتمداری از جنبش تبریز میکوبد، او را در این مقام طرف خطاب قرار میدهد و از او اعلام حمایت میکند و بدین طریق عدم شناخت خود را از بورژوازی لیبرال و تزلزل موضع خویش را، در قبال بورژوازی که بویژه در شرایط تشتت و پراکندگی جنبش کمونیستی و فقدان حزب رزمنده و انقلابی طبقه کارگر، بشدت خطرناک است، بنمایش میگذارد و این هشدار نیست برای همه نیروهای انقلابی و کمونیستها، هشدار نیست برای خلق کرد، و بویژه هشدار نیست برای کومله تا با افشای پیگیری امان سازشکاران خیانت پیشه ای که

جنبش خلق را وثیقه سازش با دشمن قرار داده اند، با افشای پیگیر
وبی‌امان حزب دمکرات در صحنه های جاری مبارزه طبقاتی در کردستان
کاری که کومله تا کنون نیز در آن قصور ورزیده است - ، با مبارزه
قاطع و پیگیر علیه هر تزلزل خرده بورژوازی در جنبش انقلابی خلق
کرد، و بالاخره با تربیت عمیق ، انقلابی و همه جانبه توده های خلق
کرد ، این جنبش را از در غلطیدن بدام بورژوازی پاسداری کرده و به
دمکراتهای انقلابی، به خرده بورژوازی کردن‌نیازی کنندگان ازدام -
بورژوازی برکنار و در صحنه مبارزه طبقاتی همچنان در موضع انقلاب
دمکراتیک ایران باقی بماند.

* * *

وبعد، یکماه پس از ظغیان تبریز یکبارہ در جمعه شب چهاردهم
دیماه ، رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی فریاد برکشید که او با شان
حزب جمهوری خلق مسلمان قم را به آشوب کشیده اند و بلافاصله پس از آن
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و بعد هم " دانشجویان پیرو خط امام "
دعوت به تعطیل عمومی و راهپیمایی اعتراضی نسبت به اعمال حزب
مزبور نمودند . و شورای انقلاب و دولت آرام گوش خوابانند و بتماشا
نشسته تا مبادا لیبرال‌ها زیاد رنجیده و راه آشتی تنگ و دشوار گردد .
اما واقعه چه بود؟

حزب جمهوری خلق مسلمان و طرفداران شریعت‌مداری کاروان بزرگی
از مردم ناآگاه کرج ، قزوین، تبریز... را بی‌بها نه " زیارت " قطب
مرجعیت " بقم می‌آوردند تا در برابر " قطب رهبریت " با انبوه زائرانش
نمایش قدرتی نموده و در ظلمت جهالت زوار هر دو قطب و برغم منافع
آنان ، چانه زنی بر سر امتیازات را از سر گیرند . اما جناح مقابل
آرام ننشسته و برای تضعیف موضع رقیب ابتدا با او با شان چماق بدستش
به این توده ناآگاه حمله میکند و آن‌را که عمدتاً " هاج و واج -
مانده و بعضاً " نیز بدفاع برخاسته اند بی‌بها نه " کمونیست " بودن قلع و

قمع میکند و بلافاصله از بوق رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی اش ، بانک بر میدارد که او باشان حزب جمهوری خلق مسلمان قم را به آشوب کشیده اند . و بعد در راستای این عوام فریبی شایدانه کوس بسیج سر داده میشود . این شیوه تبلیغات ، اینگونه " مبارزه " بالیبرالها و این سان " دشمنی " با امپریالیسم و عمالش ، در واقعیت امر نه مبارزه با بورژوازی لیبرال است و نه مبارزه با امپریالیسم ، مبارزه با توده های مردم است ، فریب و تحمیق توده هاست . خیانت به توده ها است . سرکوب بخشی از توده های ناآگاه و بسیج بخشی بزرگتر باتکای قدرت جهالت و فریبکاری است تا بدین طریق ، بر متن آن سرکوب و این فریب ، رهبران بورژوازی به سازش و همراهی و سکوت دعوت شوند و این دعوا بر بنیاد دشمنی با خلق بنفع آنکه فریبکار تر و رزمنده تر است ، موقتا " خاتمه یابد .

اما او باشان جمهوری اسلامی ، تنها به طرفداران ناآگاه شریعت - مداری حمله نکرده اند ، آنها به بقایای اعتماد اینان به جمهوری اسلامی ، با رادیو تلویزیون اش ، با دانشجویان خط امامش و جامعه مدرسین حوزه علمیه اش حمله کرده اند ، چراکه رادیو تلویزیون ، بلندگوی عربده جوئی های مستانه آنان شد ، جامعه مدرسین حوزه عملیه قم عبایش را پیش پای آنان گسترده و دانشجویان خط امام بر چماقهای سرکوب فاشیستی این باندهای مزدور ، شعارهای ضدامپریالیستی نوشت و بدین طریق هر سه جای خویش را در کنار او باشان چماق بدستی که اگر یکروز به " زائران " ناآگاه شریعتمدار حمله کرده اند ، روزهای متمادی با حمله به کتابفروشی ها ، روزنامه فروشی ها ، کانونهای دانشجویی مترقی و مارکسیستی ، میتنیک های نیروهای مترقی و مارکسیست ، و . . . نقش خویش را به مثابه لژیون لومین پرولتری پاسدار جهالت و جمهوری اسلامی ، شناسانده اند ، آشکارا ساختند .

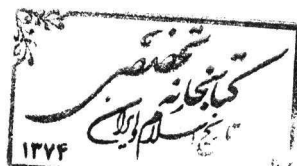
و اما از سوی دیگر لیبرال ها که برای معامله ، توده ناآگاه را جلو افکنده بودند پافرا رگذاشته و این توده را در معرکه تنهارها ساختند .

" قطب مرجعیت " که تا دیروز در گوشه حوزه دعا بجان شاه و خاندان " جلیل " میکرد، و اینک ریشخند تاریخ، چنان مکانی بدو داده است که اپوزیسیون بورژوازی او را به مثابه علم خویش بر سر سرنیزه کرده است. خفقان گرفت و در برابر او با شان چماق بدست رقیب که سیاهی عبا ی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پشت سرشان دیده میشد، سپرافکنند و دستها را بالا برد و با دعوت از توده ناآگاه هوادارانش به احتراز از تفرقه و هرج و مرج و دعوت آنها بوحثت، در حقیقت ایمن توده را عامل تفرقه و هرج و مرج دانسته و از آنان خواست که در برابر چماق رقیب دم برنیاورند و با گشاده رویی آنرا بپذیرند.

بدین طریق توده ناآگاهی که عوام فریبی هیات حاکمه، دغلكاری رادیو تلویزیون و مدرسین حوزه علمیه قم و دانشجویان پیرو خط امام، در نزد و جمهوری اسلامی و " قطب رهبریت " را از عرض کبریه تخیلات و اوها م، به حسیض واقعی اش کشانده است، با تبارز آشکار هرزگی، خیانت و خود فروختگی، قطب مرجعیت " نیز مواجه شده و سیلی سخت و بیدار کننده دیگری از واقعیت خشن مبارزه طبقاتی دریافت میکند.

اکنون آنچه جای خالیست آن شکل مارکسیستی - لنینیستی نیرومندی است که با افشاگری و سازماندهی همه جانبه و وسیع خویش این امواج ناراضیتی و خشم را به سیل بنیان برافکن مبارزات سازمان یافته آگاهانه و هدایت شده توده های عظیم خلق، تبدیل سازد.

توده ها آماده اند، دشمن با تهاجمات ابلهانه، عقب مانده و رسوای خویش به تمامی مظاهر آزادی، شرافت و حقوق انسانی توده ها مناسبت ترین زمینه ها و شرایط را برای از میان بردن توهمات توده ها برای تربیت انقلابی توده ها فراهم میسازد. شرایط اقتصادی جامعه نیز بگونه ایست که جزو در رویی خشن میان توده ها و حکومت راهی باقی نمی گذارد.



دیگر بر ماست که با جنبش توده‌ها همراه باشیم ، به مسئولیت‌های خویش در قبال این امواج عظیم پاسخ‌گوشویم و چه در این راه استقبال از طغیان عظیم و فراروینده توده‌ها تدارک مناسب سیاسی، تئوریک و نیز تشکیلاتی را ببینیم و هر چه پر قدرت تر، متحدتر، فشرده تر و سریع تر ، وحدت جنبش کمونیستی و تشکیل حزب کمونیست ایران را تدارک ببینیم .

پرتوان باد جنبش‌آور و جگر نده توده‌ها
رسوایان و خیانت‌های هیات حاکمه و بورژوازی لیبرال
برافراشته باد پرچم وحدت جنبش کمونیستی ایران
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر

۵۸/۱۰/۱۸

